



درس خارج فقه استاد هادی عباسی خراسانی

۹۹/۰۴/۰۷

« فهرست دروس بسم الله الرحمن الرحيم

محتویات

۱- حدیث اخلاقی

۲- خلاصه بحث گذشته

۲.۱- رابطه احکام وضعی و تکلیفی

۲.۲- محدوده ضمان بیمار

۳- اقوال در محدوده ضمان

۴- بیان دیدگاه درست در ضمان

۵- استثنائات ضمان

۶- براءت طیب از ضمان

محتویات

موضوع: مسائل مستحدثه/مسائل کرونا /ضمان سرایت بیماری

۱- حدیث اخلاقی

از امام حقایق امام صادق علیه السلام نقل شده است: **إِنْ أَعْلَمَ**
النَّاسَ بِاللَّهِ أَخَوْفَهُمُ اللَّهُ ، وَأَخَوْفَهُمْ لَهُ أَعْلَمَهُمْ بِهِ ، وَأَعْلَمَهُمْ بِهِ أَزْهَدُ
هَمِّ فِيهَا. [۱]

حوزه علمیه قم

مسجد اعظم

قم

مدرسه فیضیه

مدرسه خان

مدرسه آیت الله گلپایگانی

سایر مدارس

فقه معاصر

تفسیر

رجال

دروس به زبان عربی

حوزه علمیه نجف

نجف

حرم امیرالمؤمنین(ع)

مساجد

حوزه علمیه مشهد

مدرسه آیت الله خویی

سایر مدارس مشهد

تفسیر و نهج البلاغه

سایر حوزه ها

شهرستانها

کربلا

بیروت

دمشق

داکار (آفریقا-سنگال)

قطیف و احساء

کابل

سایر موضوع ها

کلام و فلسفه

طب در روایات

بزرگان معاصر

تقریر عربی درس ها

راهنمای تقریر نویسی

پخش زنده

ثبت نام

ویرایش اطلاعات

دریافت نرم افزار

زمان درس ها

نحوه گفتگو

تالارها

امکانات جانبی

سوالهای متداول

مشکل نمایش حروف فارسی

از کلمات گران‌سنگ امام صادق علیه السلام در مسائل علمی است.

دانشمندترین مردم چه کسانی هستند؟ فرمودند آنانی که خداشناس‌ترین هستند. ملاکشان این است که خداترس‌ترین‌ها هستند.

اعلم الناس بالله اخوفهم لله

و آنانی که جزو خداترس‌ترین‌ها هستند عالم‌ترین‌ها هستند. دو موجه کلیه‌ای است که جای موضوع و محمول عوض می‌شود. به عرضی که تقدیم می‌کنیم دقت کنید:

علمی داریم که پیش‌نیاز خوف و خشیت و است و علمی داریم که نتیجه خشیت است. علم دارای مراتب است. کسی که بیشترین خشیت را داشته باشد بیشترین علم نصیب او می‌شود.

اعلمهم به ازهدهم فیها

خداشناس‌ترین‌ها بی‌رغبت‌ترین‌ها به دنیا هستند. انسان وقتی به خشیت می‌رسد که به بی‌رغبتی به دنیا برسد. کسی که رغبت به دنیا داشته باشد فاسد می‌شود. اذا فسد العالم فسد العالم. [۲]

﴿وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَ نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ * فَإِنَّ الْجَنَّةَ

هِيَ الْمَأْوَىٰ﴾ [۳]

بهشت با هوای نفس نمی‌سازد. اگر خوف از مقام ربوبیت با همین قید مقام و نهی از هوا باشد، مأوای فرد بهشت می‌شود.

در آیه‌ای دیگر آمده است: ﴿وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٌ﴾ [۴]

یکی جنت صفات است و دیگری به نظر ما جنت ذات است. رزقنا الله ایانا و ایاکم که برسیم به مرحله‌ای که مراقبت داشته باشیم و هزاران ان شاء الله خشیت داشته باشیم و بی‌رغبت به دنیا باشیم و عقل ما امیر باشد نه اسیر.

۲- خلاصه بحث گذشته

در بیماری‌های خاص به این نتیجه رسیدیم اگر موضوعی حکمی از احکام را بتوانیم ثابت کنیم باید متعبد به احکام تکلیفی و وضعیه آن موضوع هم بشویم. اگر بیماری‌ای مسری و خطرناک باشد و زیان داشته باشد چند حکم تکلیفی و وضعی بر آن مترتب است.

یکی مراقبت است چه فردی و چه اجتماعی.

۲.۱- رابطه احکام وضعی و تکلیفی

بحثی است در ترتب احکام وضعی و تکلیفی بین مرحوم آخوند[۵] و مرحوم شیخ انصاری[۶]. ما قائل به تفصیل هستیم گاهی این دو مترتب بر هم هستند و گاهی یکی مستقل است. بر خلاف برخی بزرگان عرض ما این است که گاهی احکام وضعیه هم جعل مستقل دارند. خیلی از اوقات ملازم یکدیگر نیز هستند. می‌شود موضوعی هم حکم تکلیفی داشته باشد و هم حکم وضعی. می‌شود موضوعی حکم تکلیفی داشته باشد ولی حکم وضعی نداشته باشد. می‌شود حکم وضعی داشته باشد ولی حکم تکلیفی نداشته باشد. عموم و خصوص من وجه است. اباحه هم نیاز به دلیل دارد به نظر ما.

کرونا آمده و دولت و ملت را درگیر کرده است. اینجا احکام تکلیفی و وضعی دارد. روزه و تیمم و وضو و نماز را گفتیم.

۲.۲- محدوده ضمان بیمار

اگر کسی مراقبت نکرد آیا واجب است؟ بله در وجوبش شکی نیست. ﴿لَا تَلْقُوا بَايِدِكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ﴾ [۷]. حفظ نفس واجب است که دو مطلب از آن استفاده می‌شود: یکی وجوب مراقبت و دیگری حرمت ترک آن که اگر در معرض خطری انسان قرار دهد حرام است.

علاوه بر اینکه مرتکب حرام شده است اگر در جمعی آمد و دیگران را گرفتار کرد حکم وضعی ضمان مطرح می‌شود. آیا

ضمان علاج طرف مقابل است یا آنچه به او ضرر زده است؟ اگر دیه‌اش جزو مصرحات شرع است همان است یا آثار مترتبه بر کارش را هم باید تحمل کند.

مثال: اگر کسی باعث بیماری دیگری شد و قسمتی از بدن را از کار انداخت. مانند یک جنایت که چشمی دستی یا پایی از بین برود. آیا دیه دست و پا را باید بدهد و یا ضمان برای همه مخارج مترتب بر اوست. باید ۱۵ روز در مراقبت‌های خاص باشد و از کار افتاده است. خرج عائله او هست.

۳- اقوال در محدوده ضمان

عرض ما این است که قاعده اتلاف و ضمان و قاعده لا ضرر همه اطلاق دارد. جالب این است که عمدا و سهوا و اضطرارا و نسیانا همه را شامل می‌شود. بله برخی موارد به دلیل خاص خارج می‌شود.

۴- بیان دیدگاه درست در ضمان

نقصی که وارد می‌کند گاهی قیمت را کم می‌کند و گاهی فرقی ندارد و گاهی قیمت را زیاد می‌کند. مثالش را زدیم مانند خواجه حرم. بیماری مسری طرف را عقیم کرده ولی جایی خواجه حرم می‌خواهند و او استخدام می‌شود. حیطة کاری‌اش توسعه یافته است. فقط ضمانت عضو خاص را دارد و یا توابع را هم ضامن است؟

عرض ما این است که گرچه نقص سبب تساوی، نقص یا افزایش بشود، قاعده لا ضرر می‌گوید باید جبران کند و فرقی بین موارد نیست. در ضمان فرقی بین مباشر و غیر آن نیست. گاهی مباشر و سبب مثل هم هستند و گاهی مباشر اقوی است و گاهی سبب. معمولا ضامن کسی است که مریضی و واگیری نسبت به او داده شود. شخصی است مبتلا و فقیه حکم حرمت ورود و پزشک گفت باید مراقبت شود ولی لجبازی کرد و در جمع وارد شد. در

صورتی که عمدا وارد شد چه بسا باعث ضمانی شود که قصاص دارد. چه فرقی دارد با کسی که کارد را به شکم دیگری زده است. مباشر و مسبب مانند جایی است که کسی کارد را به دست او داده است. انگیزه کشتار داشته باشد چه فردی و چه جمعی ضمان آور است.

عرضمان این است که ضمان آوری هم نفقه علاج را دارد و هم غیر آن را. مثلا اگر روزی به یکی از جوارح ضرر وارد شد مانند کلیه ولی به علاوه از کارافتادگی آن بیش از این حرف‌ها است. عمرش مریض می‌شود و چه بسا بیمه عمر هم به عهده فرد بیفتد. گرچه دیه‌اش مشخص و مصرح در روایات کتاب دیات است ولی ما عرضمان است که آنچه اتفاق می‌افتد باید جبران کند. پس سه احتمال هست:

در بیمه‌ها که خسارت به ماشین می‌رسد بیمه فقط ضامن آن قطعه نیست بلکه ضامن قیمت ماشین هم هست. لا ضرر هم شامل مسائل ایجابی است و هم سلبی. مرحوم آخوند لا ضرر را در اصول و کفایه آوردند. [۸]

جمع بین روایات ضمان در عضو خاص و قاعده لا ضرر این است که هم باید متحمل ضرر و زیان عضو شود و هم آنچه بر آن مترتب است.

مباشر و مسبب هم گاهی هر دو مقصر هستند و گاهی یکی قوی‌تر است که باید نسبت‌سنجی شود. همان مباحثی که در ضمان طیب داشتیم در ضمان مریض هم هست.

۵- استثنائات ضمان

۶- براءت طیب از ضمان

معمولا اطبا هم مباشر نیستند. کادر درمانی آن کار را انجام می‌دهد. امر او اگر سبب خوردن دارویی باشد و مریض مبتلا به

بیماری خاص و جدیدی می‌شود و یا مشکل جدیدی رخ می‌دهد در صورتی که طیب براءت نجوید، ضامن است.

بحثی هم هست که مریضی مضطر است و اگر قرارداد براءت را امضا نکند دچار مشکل می‌شود. بحث دیگری است که این قراردادها چقدر اعتبار دارد و با حکومت اسلامی سازگاری دارد یا خیر؟

یکی از مستثنیات ضامن، براءت طیب از ضامن است. بگوید معالجه می‌کنم ولی ضامن نیستم و ولی بیمار تایید کند. اینجا در وسیله وظیفه دارد ولی ضامن نتیجه نیست.

سموم در برخی بیماری‌ها کشنده است ولی در برخی بیماری‌ها مداوا است. حال اگر سرم یا دارو دوز آن کم و زیاد شد، هم مباشر و پرستار مسئول است و هم پزشک. مگر اینکه سر در نیاورد پرستار.

قاعده لا ضرر و آیه ﴿لَا تَلْقُوا﴾ هم اطلاق دارد. فرد و جمع و مریض و غیر آن را می‌گیرد و عمد و غیر آن را هم شامل می‌شود. بله استثنائات آن را باید بررسی کنیم.

بیان فایده دارو بدون دستور

اگر روزی کسی می‌داند دارویی ضرر دارد و دارو را خورنده است یا توصیه کرده است ضامن است. گاهی بیان فایده است و خود فرد خورد ضامن نیست. ولی اگر گفت بخور اینگونه می‌شود ضامن است. اینجا متطبب است و طیب نیست.

بلکه اگر پزشکی به مسئولیت پزشکی‌اش دارد عمل می‌کند و تعهدش را هم انجام می‌دهد ضامن نیست. چرا که هم براءت جسته و هم کارش را انجام داده است.

برخی فردگرا شدند و گفتند همه چیز را ضامن است و برخی هم جمع‌گرا شدند و گفتند مصالح جمع به خطر می‌افتد و هیچ‌جا ضمانتی نیست. هر دو درست نیست.

چند روایت را مرحوم نوری در مستدرک وسائل باب ۱۹ ابواب موجبات الضمان (باب ضمان الطیب والبیطار إذا لم يأخذ البراءة ، وكذا الختان ، وضمان شاهد الزور) آورده است:

۱. الجعفریات : أخبرنا عبد الله ، أخبرنا محمد ، حدثني موسى ، قال : حدثنا أبي ، عن أبيه ، عن جده جعفر بن محمد ، عن أبيه ، عن جده : أن عليا (عليهم السلام) قال : « من تطب أو تبيطر ، فليأخذ البراءة من وليه ، وإلا فهو له ضامن » . [۹]

۲. وبهذا الاسناد : ان عليا (عليه السلام) ، ضمن ختانا قطع حشفة غلام. [۱۰]

۳. وبهذا الاسناد : عن علي بن أبي طالب (عليه السلام) : أنه ضمن ختانة ، ختنت جارية فنزفت الدم فماتت ، فقال لها علي (عليه السلام) : « ويا لأمك ، أفلا أبقيت ! » فضمنها علي (عليه السلام) دية الجارية ، وجعل الدية على عاقلة الختانة. [۱۱]

۴. دعائم الاسلام : عن أمير المؤمنين (عليه السلام) ، أنه قال : « من تطب أو تبيطر ، فليأخذ البراءة ممن يلي له ذلك ، وإلا فهو ضامن إذا لم يكن ماهرا » . [۱۲]

اگر جایی عمدی در کار بود حتما ضامن است. فرقی بین مریض و طیب نیست تنها عنوان متفاوت است.

اگر احتمال نمی‌داد سرایت را باید بینیم حکم چیست؟ برخی براءت و برخی اشتغال و استصحاب را جاری می‌دانند. باید به عرف متشرع مراجعه کنیم. مقام معظم رهبری هم فرمودند به متخصصان متشرع مراجعه کنید که جهات شرعی را می‌بینند. اینکه سرایت هست یا خیر. حکم را از ادله و شرع مقدس می‌گیریم و موضوع را از عرف.

در کرونا هم حکم تکلیفی است حرمت انتقال و هم وضعی که ضمان است. رابطه این دو حکم عموم و خصوص من وجه است. همه بیماری‌های مسری چنین نیست. جایی که سرایت کلی است. سرماخوردگی جزئی هم سرایت دارد ولی ضمانش جزئی است. اینجا تا حکم قصاص هم پیش می‌رود. گاه قاضی حکم تنبیهی و تعزیری هم می‌تواند داشته باشد.

[۱] بحار الأنوار - ط مؤسسة الوفاء، العلامة المجلسي، ج ۲، ص ۲۷.

[۲] نشریه معرفت، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، ج ۱۷۵، ص ۶. ما عین این حدیث را نیافتیم، البته قریب به این مضمون در کتاب خصال آمده است: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «صنفان من أمتي إذا صلحا صلحت أمتي و إذا فسدا فسدت أمتي. قيل: يا رسول الله و من هما؟ قال: الفقهاء و الأمراء.» محمد بن علی صدوق، الخصال، ص ۳۷، البته از امیرالمؤمنین علیه السلام هم نقل شده است که فرمودند: «زلة العالم تفسد عوالم.» (عبد الواحد بن محمد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۸).

[۳] نازعات/سوره ۷۹، آیه ۴۰-۴۱.

[۴] الرحمن/سوره ۵۵، آیه ۴۶.

[۵] کفایة الاصول، آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین، ص ۴۰۰.

[۶] فرائد الاصول، الشیخ مرتضی الأنصاری، ج ۳، ص ۱۲۵.

[۷] بقره/سوره ۲، آیه ۱۹۵.

[۸] آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین، کفایة الاصول، ج ۱، ص ۳۸۱.

- [٩] مستدرك الوسائل، المحدث النوري، ج ١٨، ص ٣٢٤.
- [١٠] مستدرك الوسائل، المحدث النوري، ج ١٨، ص ٣٢٥.
- [١١] مستدرك الوسائل، المحدث النوري، ج ١٨، ص ٣٢٥.
- [١٢] مستدرك الوسائل، المحدث النوري، ج ١٨، ص ٣٢٥.

